



کیفیت حمایت از کاهش آسیب‌های اجتماعی بی‌حجابی در قلمروی قوانین کیفری

دکتر سید حسین حسینی^۱، زهیر جهان‌دیده^{۲*}

۱- استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، shosseini@um.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد،

zoheir.jahandideh@stu.um.ac.ir*

چکیده

یکی از آسیب‌های اجتماعی پدیده بی‌حجابی است که می‌تواند با نتایج منفی متعددی همراه باشد و شیوع آن باعث بروز پیامدهای بعضاً غیر قابل جبران می‌گردد. در این میان قوانین می‌توانند در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی نقش مؤثری ایفا نمایند. در قوانین جزایی کشور ما به این مهم توجه شده و فقدان حجاب و عفاف به عنوان یکی از جلوه‌های آسیب اجتماعی با ضمانت‌اجرای کیفری همراه شده است، چرا که بزه‌هایی که دارای منشاء آسیب اجتماعی هستند از ارزش و اهمیت والایی برخوردارند. هدف قانونگذار از این رویکرد حمایتی، کاهش آسیب‌های اجتماعی است، که کیفیت این حمایت از نقایصی بی‌بهره نشده است. به طوری که رفع این نقایص می‌تواند بر کارآمدی نقش حمایت‌های قانونی در جلوگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی ناشی از بی‌حجابی و بی‌عفاف بیافزاید. در واقع یکی از راهکارهایی که جهت فراگیر شدن تفکر حجاب و عفاف می‌تواند در حوزه حقوق مطرح شود پیش‌بینی ضمانت‌اجرای کیفری مناسب برای جلوگیری اعمال خلاف فرهنگ عفاف و حجاب است که در انظار عمومی نمایان می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ-حجاب و عفاف-آسیب اجتماعی-حمایت قانونی-ضمانت‌اجرا.



مقدمه

فواید فراوان پوشش و حجاب امری بدیهی و غیر قابل انکار است. حجاب تاثیرات روانی مثبت فراوانی بر زنان دارد و آنان را از هر نوع تعرض و تحقیری حفظ می‌کند. جایگاه حجاب در جامعه‌ی ما هم به عنوان یک فرهنگ ملی و هم در مقام ارزش دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حجاب علاوه بر آن که از سفارشات آیین اسلام به شمار می‌رود، به عنوان یک فرهنگ و ارزش در جامعه‌ی ایرانی از دیرباز وجود داشته است. مطالعه‌ی کتب تاریخی و ادبیات کهن از جمله شاهنامه نشان‌دهنده‌ی وجود این ارزش در جامعه است. همچنین این جمله از ویل دورانت: «... در نقش‌هایی که در ایران باستان برجای مانده هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد» (دورانت، ۱۳۷۰: ۴۳۴) نشان‌گر وجود پوشش و حجاب خاصی بوده که در میان آن‌ها وجود داشته است. در دوره‌ی ساسانیان که دین رسمی کشور دین زرتشت بود زنان دارای حجاب کامل بودند (رجبی، ۱۳۸۸: ۳۳). بنابراین حجاب و عجین شدن آن با تمدن ایرانی پذیرفته شده است.

در قرآن کریم واژه‌ی حجاب هفت بار به کار رفته است که در شش مورد به معنی لغوی آن آمده است و فقط یک مورد آن در مورد زنان پیامبر می‌باشد. در آیه‌ی ۵۹ سوره احزاب خداوند به پیامبر می‌فرماید: «ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو روسری‌های بلند خود را بر خویش فرود افکنند. اینکار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است...» این آیه در ارتباط با بحث پوشش به کار رفته و اختصاص به همسران پیامبر دارد. شش آیه‌ی دیگر مطروحه در قرآن شامل آیات (شوری ۵۳)، (مریم ۱۷)، (اعراف ۴۶)، (احزاب ۵۳)، (فصلت ۵) و (اسراء ۴۵) می‌باشد که در آن حجاب به معنای پرده و مانع به کار رفته است. معنایی که امروزه از واژه‌ی حجاب استنباط می‌شود عبارتی تحول یافته از واژه‌ی قرآنی آن است. به نقلی دیگر کلمه‌ی حجاب دگرگون شده و به جای ستر به معنی پوشش به کار رفته است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۳).

مسأله حجاب به عنوان یک مسأله فقهی و روایی در مجامع شیعی و سنی مورد تأکید قرار گرفته (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۴۶) که ناظر بر جایگاه والای آن در فرهنگ دینی است. از جمله روایت شده که مفضل بن عمر از اصحاب امام صادق (ع) از ایشان سوال کرد که «اگر زنی در سفر بمیرد و مرد محرم یا زنی همراه او نباشد که او را غسل دهد فرمودند: ... نباید زیبایی‌های او را که خدا پوشیدن آن را واجب فرموده است آشکار کرد» (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

روش تحقیق

این نوشتار با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی نگاشته شده و در پی آن است به بررسی مختصر برخی نارسایی‌های موجود در قانون در مواجهه با معضل بی‌حجابی، که در حال حاضر شیوع گسترده‌ای داشته‌اند، بپردازد.

۱- مفهوم حجاب



حجاب در لغت به معنای مانع، پرده، پوشش و ستر آمده است (جوهری، ۱۴۱۸: ۱۰۷). معین در معانی لغت حجاب این عناوین را ذکر کرده است: ۱- پرده و ستر ۲- نقابی که زنان چهره‌ی خود را بدان پوشانند ۳- چادری که زنان سر تا پای خود را بدان پوشانند (معین، ۱۳۷۱: ۱۳۴۰).

می‌توان گفت حجاب به این معناست که زن را و او می‌دارد تا قمست‌هایی از بدن را که تحریک‌کننده‌ی غرایز مرد است خواه در جسم یا رفتار و گفتار بپوشاند. به عبارت دیگر حجاب خواسته‌ای فطری در درون زن برای پوشاندن مظاهر زنانگی است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۶).

ماده ۲ از آیین‌نامه اجرایی بازی‌های همبستگی بانوان کشورهای اسلامی حجاب را اینگونه تعریف می‌کند: «حجاب اسلامی عبارت از پوشیدگی اعضای بدن و موی سر می‌باشد».

ذکر این نکته ضروری است که استعمال کلمه «حجاب» برای پوشش زنان امری جدید است و تا قبل از این فقها و عامه‌ی مردم از عبارت ستر در مورد پوشش استفاده می‌کردند که به معنای پرده، حجاب و پوشش می‌باشد (غلامی، ۱۳۹۱: ۲۷).

۱-۱- ارزش و اهمیت حجاب

حجاب نقش حیاتی را در تکامل جامعه و رسیدن امت اسلامی به هدف آفرینش که همان پاکی، عفت، اصالت و هویت فرهنگی است، ایفا می‌کند و از آن نظر اهمیت دارد که نه تنها حافظ اخلاق و تجسم تقوا و عفت در سطح جامعه است بلکه وجود چنین حکمی در اسلام، نوعی بزرگداشت زن مسلمان و محفوظ نگه‌داشتن وی از نگاه‌های مردان است. بنابراین اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت جواز حضور او را در اجتماع رقم زده است و با دستورهای حکیمانه و راه‌گشا این نیروی عظیم را از تباه شدن و در گوشه‌ای بی‌هدف ماندن نجات داده است. لذا شایسته است که این سنت اسلامی-اجتماعی هر چه بیشتر مورد توجه قرار گرفته و از آثار و ارزش آن سخن به میان آید و از آن حمایت گردد.

۱-۲- آسیب‌های اجتماعی بی‌حجابی

حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از جمله مسایلی است که در تفکر اسلامی به آن بسیار توجه شده است. این اندیشه و توجه تا بدان پایه از ارزش و اعتبار برخوردار است که از عمده وظایف دولت اسلامی ایجاد امنیت همه جانبه در جامعه است (حاذق، حمزه پور، ۱۳۹۱: ۲۲۴).

یکی از مهم‌ترین مسایلی که می‌تواند امنیت اخلاقی و اجتماعی را تامین کند مسأله حجاب و پوشش زنان در جامعه است. بی‌حجابی و عدم پوشش در جامعه به دنبال خود پیامدهایی ناگوار چون آرایش، خود آرایی و عشوه‌گری را به همراه دارد و مردان به ویژه جوانان را در معرض تحریک دایم عصبی و ایجاد التهاب و هیجان دروغین زودگذر در جامعه قرار می‌دهد. همچنین آسیب اجتماعی مهم دیگری که ناشی از بی-حجابی در جامعه ظهور پیدا می‌کند، سست شدن بنیان خانواده و تزلزل آن است. شکستن حریم خانواده و برهنگی روزافزون در جامعه‌ی



انسانی، جدایی و از هم گسیختگی خانواده‌ها را در پی خواهد داشت زیرا در بازار آزاد فرهنگی، زنان به صورت کالای مشترک به شمار می‌آیند و دیگر پیوند زناشویی قداست و پاکی خاص خویش را میان دو نفر که به یکدیگر تعلق دارند از بین می‌برد و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود (مطهری، ۱۳۸۶: ۸۱) در مقابل حفظ حجاب موجب تحکیم روابط خانواده و آرامش روانی اعضای خانواده می‌گردد.

بی‌حجابی یکی از عوامل کم‌کاری و مانع فعالیت‌های اجتماعی است. حضور بی‌بندوبار زن در جامعه از سویی نیروی کارایی مردان را دچار رکود می‌کند و از سوی دیگر مانع از پرداختن جدی زن به کار و فعالیت اجتماعی‌اش می‌شود. همچنین عدم پوشش مناسب مانع رسیدن به پیشرفت‌های علمی و فرهنگی می‌گردد. اگر زنان یک جامعه به فلسفه حجاب پی ببرند و با اعتقاد به قبول منافع بی‌شمار حجاب اسلامی و عقلایی به آن پایبند باشند، افکار انسان‌ها از هوسرانی منقطع گردیده و به تعالی هر چه بیشتر مدارج علمی و فرهنگی میانجامد (حاذق، حمزه پور، ۱۳۹۱: ۲۲۰).

از سوی دیگر مسأله حجاب تاثیر روانی عمیقی بر زنان که از افشار مهم جامعه هستند بر جای می‌گذارد. به گفته‌ی روانشناسان پوشش و حجاب بیشتر از آن چه در سلامت اخلاق موثر باشد با فطرت زنان هماهنگ و برای بلوغ روانی و تعیین هویت انسانی آنان ضروری است. بر خلاف تبلیغات عوامانه پوشش مناسب برای زنان به تفاوت مراحل رشد روانی آنان باز می‌گردد و ریشه در فطرت دارد. بی‌توجهی به این مسأله بیشترین خسارت را متوجه زنان می‌کند و آنان را از رشد به مرحله‌ی بلوغ انسانی و تعیین هویت باز می‌دارد (روحانی، ۱۳۶۹: ۸).

با توجه به اهمیت این مسأله و تاثیر آن در همه ابعاد و زمینه‌های اجتماعی، لازم است برای گسترش فرهنگ حجاب در جامعه راهکارهایی اندیشیده شود تا جامعه از آفات و تبعات منفی بی‌حجابی مصون بماند. یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که می‌تواند در این زمینه موثر واقع شود وجود ساز و کارهای قانونی و ورود قانونگذار به این صحنه است. مباحثی که در ذیل مطرح می‌شود مواد قانونی است که به گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه یاری می‌رساند.

۲- لزوم استفاده از حربه قانون

در فرهنگ اسلامی حجاب از جمله فرایض و بی‌حجابی گناه محسوب می‌شود و سعی قانونگذار بر آن است تا مقررات هر چه بیشتر بر اساس موازین و اصول فقهی تعیین شوند. ممکن است عده‌ای بر این باور باشند که در انجام عبادات و فرایض دینی قصد قربت مطرح است و نمی‌توان با حربه‌های قانونی و حکومتی اشخاص را به یک فریضه دینی الزام کرد و به تعبیری دیگر نیازی به ورود قانونگذار در این عرصه احساس نمی‌شود (مهدوی‌زادگان، ۱۳۹۰: ۷۸).

به لحاظ فقهی طبق یک نظر، که مشهور فقها از آن پیروی کرده‌اند حاکم می‌تواند هر کسی را که عمل حرامی انجام داده است تعزیر (مجازات) نماید (نجفی، ۱۳۹۲: ۴۴۸) هر چند که مخالفانی هم در مقابل این نظر وجود دارند (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۲۹۶).

منتظری در پاسخ به این سوال که «آیا دولت اسلامی مجاز است حجاب اجباری را به مردم تحمیل کند؟» این چنین پاسخ داده اند که: «هر چند در دین و انجام دستورات آن اکراه نیست (لا اکراه فی الدین) ولی اگر افرادی بخواهند پرده‌داری کنند و به عفت عمومی لطمه بزنند و



نسل جوان را به انحراف بکشند. متصدیان امور باید عاقلانه و به دور از اعمال خشونت جلوی آن‌ها را بگیرند، و اگر از باب اتفاق نوبت به اجرای حدود الهی رسید آن‌ها را اجرا نمایند. زیرا مصلحت جامعه بر مصلحت افراد مقدم است» (شادی، ۱۳۸۹: ۲۳۳).

توجه به این مسأله ضروری است که مسأله حجاب و عفاف در قلمروی مسایل فردی نمی‌گنجد بلکه مسأله‌ای عام و همگانی است. این تصور که نوع پوشش افراد، شخصی و به سلیقه آنان مربوط می‌گردد، امری نامعقول و ناپذیرفتنی است زیرا شخص با نوع پوشش خود در جامعه و در بین آحاد مردم ظاهر شده و به تبع تاثیرات خود را اعم از مثبت یا منفی بر جای می‌گذارد.

بنابراین می‌توان این گونه عنوان کرد که بنابر مصالح اجتماعی و دفع مفاسد منبعث از بی‌حجابی ورود قانونگذار به این عرصه و تدوین قوانین خاص که به گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه می‌انجامد واجب و ضروری است.

۱-۲- هنجار قانونی

قوانین مجازات کشورها آینه ارزش‌های آن‌ها محسوب می‌شوند، بدین صورت که جرم‌انگاری هر عملی به مثابه‌ی ضد ارزش بودن آن و شدت و حدت مجازات حاکی از ارزش والای آن است. هر چقدر مجازات سنگین‌تر و شدیدتر تعیین شود این معنا را خواهد داشت که ارزش بالاتری زیر پا گذاشته شده و به منظور مقابله با آن حکومت واکنش نشان می‌دهد. کشورهای متعددی پیرامون نحوه‌ی پوشش و حجاب شهروندان، متناسب با هنجارها و تفکر موجود در جامعه و سیاست کیفری حاکم بر آن، اقدام به وضع مقرراتی می‌نمایند. مانند کشور انگلستان که در سال ۱۷۷۰ میلادی در رابطه با پوشش زنان مجازات‌هایی شبیه مجازات ساحران تعیین کرده بود (دورانت، ۱۳۶۹: ۸۴).

نظر به اینکه مسأله حجاب در جامعه‌ی ایران به عنوان یک اصل فرهنگی و دینی ارزشمند مطرح است، قانونگذار در جهت حمایت از گسترش آن هنجارهای قانونی اعمال کرده است.

۲-۲- الگوی قانونی

هرچند که دخالت قانونگذار کیفری علی‌القاعده آخرین اقدام در مواجهه با پدیده‌های ضد ارزشی است اما داشتن ماده قانونی و تعیین مجازات برای آن گاهاً ضروری به نظر می‌رسد. در فرایند جرم‌انگاری وجود نص قانونی شفاف، بدون ابهام و صریح لازمه‌ی حفظ حقوق شهروندی است و برای تعیین مجازات و پاسخ به ناهنجاری‌ها از طریق قانون بایستی توجه کرد که مجازاتی که برای رفتارهای ضد ارزشی معین می‌شود، متناسب و به گونه‌ای باشد که مورد پذیرش جامعه قرار گیرد چرا که در این صورت به متروک شدن آن می‌انجامد. قانونگذار در وضع قوانین از عرف الگو می‌گیرد. عرفی که در میان مردم یک جامعه به دلیل اکثریت انجام آن مورد پذیرش واقع شده و آن را به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور تلقی می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۷۸). به تعبیری عرف اعتبار خود را از ضرورت‌های زندگی اجتماعی می‌گیرد چنانکه پس از چندی به نظر می‌رسد همگان بر این عادت رضایت ضمنی داشته و خلاف آن را جایز نمی‌دانند (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۹۹).



همان طور که گذشت در جرم‌انگاری و تعیین کیفر، فرهنگ حاکم بر جامعه باید لحاظ گردد چرا که چنانچه جامعه واکنش اجرای مجازات علیه رفتاری را به رسمیت نشناسد از طرق دیگری به حمایت از ارزش‌ها اقدام نماید. در واقع اگر مؤلفه‌های کیفری نامطلوب به نظر بیایند در راستای کیفرزدایی باید از گزینه‌های مشابه دیگری استفاده کرد از جمله ضمانت‌اجراهای اداری و انضباطی (دلماس مارتی، ۱۳۹۳: ۳۶۵). بدین معنا که تا زمانی که امکان انتخاب راهکارهای غیر کیفری وجود دارد انتخاب شبکه‌ی کیفری سودمند نخواهد بود و مجازات‌ها تنها یکی از ابزارهایی هستند که می‌توان از آن‌ها بهره گرفت (پرادل، ۱۳۹۲: ۷۰).

۲-۳- حجاب در سایه قوانین خاص

اولین قانونی که در آن به مسأله حجاب توجه شده بود، قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، مصوب ۱۳۶۰ بود که در ماده ۱۸ آن عدم رعایت حجاب اسلامی با ضمانت اجرای توبیخ کتبی با درج در پرونده و یا اخراج و انفصال از خدمت همراه بود. دو سال بعد قانون هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری جایگزین آن شد و بی‌حجابی دارای ضمانت‌اجرای اداری در بند ۱۳ ماده ۸ قانون ذکر گردید. اما اولین قانونی که به صورت فراگیر و عمومی برای آحاد جامعه تصویب گردید قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ بود که ماده ۱۰۵ این قانون مقرر می‌داشت: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهند شد».

گاهی اوقات لباس‌هایی که دوخت و شکل ظاهری آن از وضعیت مناسبی برخوردار نیست، می‌تواند یکی از مصادیق و عوامل بی‌حجابی باشد از این رو قانونگذار با اقدامی جهت جلوگیری از توزیع این‌گونه لباس‌ها، قصد داشته که این نوع رفتارهای ضد ارزشی را در نطفه از بین ببرد. لذا در سال ۱۳۶۵ با تصویب قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند گامی در این راستا برداشت. در ماده‌ی ۲ این قانون بی‌حجابی به عنوان تخلف شمرده شد و ضمانت‌اجراهایی از قبیل تذکر و ارشاد، توبیخ، تعطیلی محل کسب و... برای آن پیش‌بینی گردید.

به نظر می‌رسد ضمانت‌اجرای پیش‌بینی شده توسط قانونگذار متوازن نیست به نحوی که قانونگذار ضمانت‌اجراهای سهل‌گیرانه‌ای از قبیل توبیخ، ارشاد و... را در مورد تولید کنندگان لباس‌های غیرمتمعارف و در نقطه‌ی مقابل کیفر شلاق را برای مصرف کنندگان پیش‌بینی کرده است، درحالی که اهمیت رسیدگی و تعیین مجازات برای تولید کنندگان به مراتب بیشتر از مصرف کنندگان آن است.

مصوبات کمیسیون سیاستگذاری در امور اجرایی مبارزه فرهنگی با مظاهر فساد وزارت کشور در سال ۱۳۷۱ که در راستای قانون فوق‌الاشعار بود درخور توجه است. طی این مصوبه برخی از مصادیق البسه و آرایش غیر مجاز تعیین شده است. برای مثال استفاده از انواع لوازم آرایشی مانند سایه‌ی چشم و رژلب و... یا حتی لباس‌های کوتاه و یا نازک و جوراب لنگه به لنگه! و برخی کفش‌ها و عینک‌های رنگین غیر مجاز اعلام گردید.

انتخاب نوع عینک یا رنگ رژلب یا نوع کفش از سوی حکومت دخالت آشکار در نظر و سلیقه‌ی شخصی آحاد جامعه خالی از اشکال نیست. البته در شرایط کنونی و با توجه به همه‌های فرهنگی صورت گرفته علیه کشور، نمودهای کم رنگ شدن حجاب در لایه‌های مختلف تاثیر-



گذار بر جامعه از جمله رسانه‌ی ملی، سینما و... آشکار است، متأسفانه این مسأله همراه با تحول عمیق در نوع پوشش و آرایش سایر طبقات مردم همراه شده که توجه ویژه قانونگذار و مقامات قضایی را می‌طلبد و تا زمانی که اقدامات فرهنگی لازم در این امر صورت نگیرد، جرم-انگاری این قبیل رفتارها موثر واقع نمی‌شود و لازم است سازو کارهای قانونی و فرهنگی همسو با یکدیگر در این مسأله حرکت کنند.

مهم‌تر آنکه دین مبین اسلام به تعالیم اخلاقی اهتمام ویژه‌ای داشته و برای نیل به اهداف عالی و جلوگیری از بروز هنجارشکنی بر روش‌های تربیتی و آموزشی تأکید می‌کند و به شیوه‌های کنترل بیرونی مثل جرم‌انگاری نگاه مثبتی ندارد. علی‌رغم اینکه قوانین کیفری اگر تحت شرایط علمی، متناسب و معقول تدوین شوند می‌توانند از هنجارها و ارزش‌ها دفاع و حمایت کنند، اما اسلام در وهله‌ی اول آموزش را توصیه می‌کند و بر این است که نمی‌توان از طریق جرم‌انگاری به آموزش فراگیر رسید و همگی را ملزم به رعایت آن کرد (نوبهار، ۱۳۹۰: ۱۰۷). در واقع اگر رسانه‌ها و نظام آموزش و پرورش به ارزش‌ها توجه بیشتری داشته باشند، خود در گسترش ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب، موثرتر خواهد بود تا اینکه قوانین به صورت اجباری و به تنهایی قصد اجرای ارزش‌ها را داشته باشند. زیرا که «قدرت مشروعیت نیافته در مواردی اثراتی را به دنبال می‌آورد که درست متضاد آن چیزی است که مد نظر بوده است» (قلی‌پور، ۱۳۸۶: ۲۷).

در این راستا شورای عالی انقلاب فرهنگی در قانون راهکارهای اجرای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب مصوب ۱۳۸۴ کلیه‌ی نهادهای مرتبط با این موضوع از جمله صدا و سیما و وزارت فرهنگ و سایر ارگان‌ها را با شرح وظایفشان در این موضوع احصا نموده است. در واقع این اقدام مطلع و نقطه‌ی آغاز خوبی برای حرکت به سمت نهادینه سازی فرهنگ حجاب در جامعه است. و لذا مشارکت همه‌ی نهادها و اجرای کامل مصوبات و در عین حال نظارت دقیق بر آنان می‌تواند حرکت به سمت مطلوب را میسر سازد (غلامی، ۱۳۹۱: ۱۷۶). البته باید توجه داشت که نهادینه سازی مباحث فرهنگی از جمله حجاب امری تدریجی می‌باشد و با برخوردهای دفعی و آنی امکان تغییر و تحول وجود ندارد.

از دیگر مصوبات می‌توان به آیین‌نامه انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۴، آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۳۷۹ در شورای عالی آموزش و پرورش و قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۲ نام برد که همگی آن‌ها بی‌حجابی را به عنوان یک تخلف شناخته و ضمانت اجرای انضباطی علیه آن پیش‌بینی کرده‌اند.

۲-۴- تکیه حجاب بر تعزیرات

در قانون مجازات اسلامی در کتاب پنجم آن با عنوان تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵، ماده‌ی ۶۳۸ و تبصره‌ی آن به اعمال حرام و بی‌حجابی اختصاص یافته است. این ماده که جایگزین ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات سابق الذکر گردید چنین مقرر می‌دارد: «هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تبصره: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»



واژه‌ی «بدون حجاب شرعی» به کار رفته در تبصره‌ی فوق واژه‌ی عامی است که کاملاً موضوع را روشن نساخته است. این چنین شرطی بدون ضابطه در قانون غیرقابل شناسایی است. در واقع مشخص نیست شخصی که اصطلاحاً بد حجاب است مشمول ماده می‌گردد یا اساساً هیچ-گونه حجابی نباید داشته باشد. این طور ابهامات زمینه را برای سلیقه‌ای شدن آراء دادگاه‌ها مهیا می‌سازد. برای نمونه در دادنامه شماره ۷۰۱۱۰۱ مورخ ۸۹/۸/۲۴ شعبه ۱۲۸ دادگاه عمومی جزایی مشهد این چنین می‌نویسد: «در خصوص اتهام خانم... دایر بر عدم رعایت حجاب شرعی در معابر... با توجه به گزارش پلیس امنیت اخلاقی و تصویر مأخوذه از متهم که حکایت از عدم رعایت حجاب شرعی است و... اتهامش محرز می‌گردد...».

به نظر می‌رسد محکومیت فرد صرفاً به دلیل ابهام در الفاظ قانونی است به شکلی که دادگاه بی‌حجابی را محرز دانسته و حکم مبنی بر مجرمیت وی صادر نموده است. اما در وضعیتی مشابه پرونده فوق، دادگاه پی به بی‌حجاب بودن یکی از متهمین نمی‌برد و رأی بر برائت وی صادر می‌نماید. در دادنامه شماره ۷۰۳۸۸ مورخ ۹۰/۲/۹ شعبه‌ی ۱۲۸ دادگاه عمومی جزایی مشهد مقرر می‌دارد: «در خصوص اتهام خانم-ها... دایر بر عدم رعایت حجاب شرعی... در خصوص اتهام متهم ردیف دوم... نظر به اینکه عکس‌های اخذ شده از وی بی‌حجابی را نشان نمی‌دهد اتهام وی محرز نیست...». اینکه ضابطان دادگستری متهمین را به جرم بی‌حجابی دستگیر و تحویل مقامات دادسرا داده‌اند و همچنین اینکه مقامات دادسرا با احراز مجرمیت وی اقدام به صدور کیفرخواست علیه او نموده‌اند نشان از این امر دارد که از نظر آنان بی‌حجابی آن زن مشهود و محرز بوده است اما از طرفی مقام قضایی در دادگاه نظر به با حجاب بودن فرد می‌دهد و او را مجرم نمی‌انگارد. این اختلاف نظرها حاکی از ابهام موجود در قانون است که منتهی به رویه‌های غیر همسو می‌گردد.

همچنین واژه‌ی «عفت عمومی» مذکور در ماده ۶۳۸ علی‌رغم زیبایی ظاهری معنای دقیق و روشنی از آن مستفاد نمی‌گردد. وجود چنین شرطی در قانون می‌تواند به تضییع حقوق افراد جامعه و علی‌الخصوص متهم بیانجامد. ضرورت وجود چنین شرطی به عنوان یکی از شرایط جرم به این معنی است که ارتکاب فعل حرام لزوماً موجب جریحه‌دار شدن عفت عمومی نمی‌شود. در واقع برای قانونگذار میان ارتکاب فعل حرام و جریحه‌دار شدن عفت عمومی تردید وجود دارد. وجود ابهام در معنای اخلال در عفت عمومی راه را برای اعمال نظر شخصی باز می‌گذارد. مانند پرونده‌ی سابق الذکر که به دلیل ابهام قانونی شرط را محرز ندانسته و در عین حالی که امکان جریحه‌دار شدن عفت عمومی وجود داشته است حکم بر برائت متهم صادر می‌کند. شاید در این فرض دلیل تبرئه فرد اشکال در ماده‌ی قانونی و عدم انطباق آن با مورد بوده است. نقطه‌ی مقابل این فرض هم قابل تصور است. شخصی که به دلیل ابهام قانونی حکم به مجرمیت او صادر می‌گردد. در چنین حالاتی منافع عمومی تامین نخواهد شد؛ زیرا که اصالت جامعه از طریق سعادت و کرامت افراد آن میسر می‌گردد. با این اوصاف قانون ظاهراً در مقام حمایت از کاهش آسیب‌های اجتماعی بوده که به نظر می‌رسد روش مناسبی نیست و قانون نیاز به بازنگری با الفاظی شفاف‌تر و بدون ابهام دارد.

در واقع رعایت اصل قانونی بودن جرایم یک مؤلفه‌ی مهم برای اثرگذاری هر چه بیشتر قانون محسوب می‌شود که مستلزم وجود جرم با ادبیات و الفاظ شفاف و قابل درک برای تمامی شهروندان است که با رعایت این اصل می‌توان به تضمین حقوق شهروندان امید داشت.

از طرفی قانونگذار در تبصره ماده ۶۳۸، الزام قانون به حفظ و رعایت حجاب را برای تمامی زنانی که در جامعه حضور پیدا می‌کنند گسترده است. در حالی که به نظر می‌رسد فقها لزومی در رعایت حجاب برای زنان اهل ذمه نمی‌بینند. همچنین لزوم رعایت حجاب برای زنان مسن و سالخورده در مواردی از بین می‌رود (آیه‌ی ۶۰ سوره نور). این در حالی است که ماده‌ی قانونی تمامی زنان حاضر در جامعه اسلامی را اعم از



مسلمان و غیر مسلمان و اعم از پیر و جوان دربر گرفته است. جرم‌انگاری بی‌حجابی نظر به ظاهر قانون و عملکرد قانونگذار و با صرف نظر از فوایدی که جامعه از ممنوعیت بی‌حجابی می‌برد، بیشتر جنبه‌ی حکومتی داشته است.

نکته‌ی دیگری که پیرامون نقد حمایت قانونی از کاهش آسیب‌های اجتماعی بی‌حجابی مطرح است برخورد دوگانه قانون با معضل بی‌حجابی است. چرا که در برخی قوانین، بی‌حجابی را صرفاً یک تخلف انگاشته و ضمانت‌اجرای نسبتاً خفیف برای آن تعیین کرده‌اند، اما در قانون مجازات اسلامی بی‌حجابی را با پیش‌بینی مجازات شدید نسبت به سایر قوانین، جرم اعلام می‌کند. جرم دانستن یک عمل در قانون و تخلف شمردن آن در قانون دیگر محل ایراد است. همچنین مجازات‌هایی که برای یک رفتار در قوانین متعدد پیش‌بینی شده، فاصله‌ی زیادی نسبت به یکدیگر دارند که به نظر می‌رسد تخلف شمردن بی‌حجابی و اعمال ضمانت‌اجرای خفیف، به موضع عدالت نزدیک‌تر باشد. به‌رغم ضروری بودن وجود مجازات در قبال رفتارهای ضد ارزشی اما همیشه نمی‌توان با اجرای کیفر به مقابله برخاست. تاثیر سوء اجرای مجازات‌ها و شرایط و اوضاع و احوال جامعه باعث شد تا رویکرد قانونی نسبت به مجازات‌ها در حال دگرگونی و کاهش نوع و میزان آن گردد. به نحوی که موضع قانونگذار نسبت به اوایل که کیفر شلاق و حبس را معین کرده بود به مجازات خفیف‌تر جزای نقدی تنزل یافته است، می‌تواند مثبت این ادعا باشد که مجازات‌ها به تنهایی مؤثر واقع نمی‌گردند.

از طرفی رویکرد قانونگذار در باب رسیدگی به جرایم با مجازات‌های خفیف با تحولات بسیاری همراه بوده است تا جایی که طبق ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ رسیدگی به جرایم درجه هفت و هشت مستقیماً در دادگاه به عمل می‌آید و بر خلاف گذشته نهاد دادرسی در مورد آن اظهار نظر نخواهد کرد. اما باز هم این رویکرد در سال ۱۳۹۴ با تصویب قانون شورای حل اختلاف دستخوش تغییر شد. وفق بند ح ماده ۹ قانون اخیرالذکر آن دسته از مجازات‌های تعزیری که دارای کیفر جزای نقدی درجه هشت هستند در صلاحیت رسیدگی شورا قرار خواهد گرفت و طبق تبصره ۲ همان ماده شورای حل اختلاف نمی‌تواند حکم به شلاق یا حبس صادر نماید. با توجه به مجازات جرم بی‌حجابی که برابر ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی درجه هشت محسوب می‌شود و تحولات قانونی صورت گرفته می‌توان گفت عملاً مجازات‌های شلاق و حبس در مورد این جرم نسخ ضمنی شده‌اند و تنها ضمانت‌اجرای آن جزای نقدی خواهد بود که فقط از طریق شورای حل اختلاف و نه دادگاه به متهم تحمیل می‌شود.

نتیجه‌گیری

حجاب در فرهنگ دینی و ملی ما از جایگاه والایی برخوردار است که عدم رعایت آن می‌تواند آسیب‌های اجتماعی فراوانی در جامعه بر جای بگذارد. مقولاتی از قبیل سست شدن بیان خانواده، آلودگی‌های اخلاقی، گسترش فساد و عدم امنیت همگی از تبعات و پیامدهای بی‌حجابی محسوب می‌شوند. از مهم‌ترین الزامات مطروحه در جامعه اسلامی توجه به این مقوله و تلاش در مسیر نهادینه سازی آن است.

یکی از سازوکارهای مهم در این فرآیند، حربه قانون و ورود قانونگذار است. قانونگذار می‌تواند با ورود خردمندان و تصویب قوانین مؤثر مربوط به حجاب به کاهش آسیب‌های اجتماعی یاری رساند. مواد قانونی ۶۳۸ و تبصره آن از قانون مجازات اسلامی و ۱۲ از قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌های غیرمجاز و بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی در این راستا تصویب شده‌اند. که گرچه نسبت به آن



انتقاداتی نیز وارد است از جمله عدم شفافیت در نص قانونی، عدم توازن بین مجازات تولید کنندگان البسه غیرمجاز و در سویی دیگر مصرف کنندگان، عدم تناسب بین رفتار ارتكابی و کیفر تعیین شده قانونی. با این حال نمی‌توان اهمیت و لزوم اعمال قانون در این زمینه را منکر گردید. لذا برای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه اسلامی لازم است قانون با تمام توان وارد عرصه شده و با هماهنگی بالا با ارگان‌های فرهنگی و اجتماعی و اعمال سازوکارهای فرهنگی، این مهم را در جامعه تحقق بخشد.

مراجع

- ۱- اردبیلی م.ع.، حقوق جزای عمومی، چاپ سی‌ام، نشر میزان، (۱۳۹۲).
- ۲- پرادل ژ.، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی‌حسین نجفی‌ابرنادآبادی، چاپ هفتم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، (۱۳۹۲).
- ۳- جبعی (شهید ثانی) ز.، الروضة البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه، چاپ دوم، انتشارات داوری، (۱۴۱۰ ق).
- ۴- جوهری ا.، صحاح الغه، دارالفکر، (۱۴۱۸ ق).
- ۵- حاذق م.، حمزه‌پور ز.، بررسی و تحقیق پیرامون حجاب و اشکالات مطرح شده در خصوص آن، چاپ چهارم، انتشارات خرسندی، (۱۳۹۱).
- ۶- دلماس‌مارتی م.، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی‌حسین نجفی‌ابرنادآبادی، چاپ دوم، نشر میزان، (۱۳۹۳).
- ۷- دوران و.، تاریخ تمدن، ترجمه سهیل آذری، چاپ اول، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، (۱۳۶۹).
- ۸- دوران و.، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، چاپ سوم، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، (۱۳۷۰).
- ۹- رجبی ع.، حجاب و نقش آن در سلامت روان، چاپ پنجم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، (۱۳۸۸).
- ۱۰- روحانی ش.، بررسی مسئله پوشیدگی از دیدگاه روانشناسی: آیا حجاب ضرورت دارد؟، چاپ اول، نشر اشراقیه، (۱۳۶۹).
- ۱۱- شادی ص.، مجموعه قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، نشر ورجاوند، (۱۳۸۹).
- ۱۲- غلامی ع.، مسأله حجاب در جمهوری اسلامی ایران (بررسی حقوقی- جامعه‌شناختی)، چاپ اول، انتشارات دانشگاه امام صادق، (۱۳۹۱).
- ۱۳- قاسمی م.، بررسی حجاب از دیدگاه قرآن و حدیث، چاپ اول، انتشارات هزاره ققنوس، (۱۳۸۷).
- ۱۴- قلی‌پور آ.، "نقش دولت در نهادینه سازی حجاب"، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دهم، شماره ۳۸، ۹-۳۶، زمستان ۱۳۸۶.
- ۱۵- کاتوزیان ن.، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوق ایران، چاپ شصت و ششم، شرکت سهامی انتشار، (۱۳۸۷).
- ۱۶- مطهری م.، مسئله حجاب، چاپ هفتاد و دوم، انتشارات صدرا، (۱۳۸۶).



۱۷- معین م.، فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، انتشارات امیرکبیر، (۱۳۷۱).

۱۸- موسوی گلپایگانی س.م.ر.، الدر المنضود فی احکام الحدود، تقریر علی کریمی جهرمی، چاپ اول، دارالقرآن کریم، (۱۴۱۲ ق).

۱۹- مهدوی زادگان د.، حکومت اسلامی و حکم حجاب، چاپ اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱۳۹۰).

۲۰- نجفی م.ح.، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب اسلامیة، (۱۳۹۲ ق).

۲۱- نوبهار ر.، "اصل کاربرد کمیته حقوق کیفری"، مجله علمی پژوهشی آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید، شماره ۱، ۹۱-۱۱۴، تابستان ۱۳۹۰.